



۲۰۱۹/۰۵/۲۱



صلاح الدین سعیدی

هر دو پروسه - مذاکره و انتخابات



بلی هر دو پروسه را باید به پیش برد. خوشا به حالیکه به توافقات صلح قبل از انتخابات برسیم و همه در انتخابات اشتراک کنند. اما اگر پاکستان و طالب مذاکرات را ناکام کردن میخوانند و مطالبه تسلیمی حاکمیت در کنفرانس های دوحه دارند و به تشدد فشار می آورند که چنین است، در آن صورت انتخابات باید صورت گرفته و ملت انتخاب خود را داشته باشد.

دقیقاً و موقف کاملاً اصولی و برجاء

مذاکرات صلح برای رسیدن به صلح با عزت و صلحی که آمادگی به جنگ دیگر نباشد امر درست و به جاست. در مذاکرات باید مصالحه سیاسی با مذاکرات و مصالحه ایدئولوژیکی مغالطه نشود.

ما با فهم ایدئولوژیکی طالب مصالحه نداریم.

ما فهم متفاوت از دین مقدس اسلام داریم. در فهم ما از دین اسلام انفجار و انتحار نیست و این اعمال حرامند.

اما طالب و داعش بر عکس آن می اندیشد.

فهم از دین الله تعالی را قادر کامل دانسته و من را مکلف به بردن کس به جنت نمی داند. کار من تبلیغ حق است، نه تحمیل حق. اما طالب و داعش تحمیل می خواهند و به زور به جنت می فرستند. ایشان تأکید دارند: یا با ما برو و امارت ما را قبول کن و یا واجب القتل هستی.

ما راه حق را نشان داده و اسلام را برحق می دانیم. اما ایشان اسلام را نشان داده و اطاعت از فهم شان از اسلام را تحمیل می کنند و این موجب قتل و کشتار انسان می شود و این به فهم ما حرام و به فهم شان جهاد است.

چنین تفاوتها در عرصه های مختلف فهم از دین بین ما و ایشان وجود دارد و این را نمیتوان با طالب مصالحه کرد.

ما با طالب مصالحه داریم تا با هم در تحقق فهم خویش از دین انتخاب ملت را اساس قرار میدهیم که ملت مسلمان افغان تحت رهنمایی عالم دین انتخاب درست کند. اما طالب شورای دلخواه خود را دعوت و امیر خود را تعیین و نسخه خویش را تحمیل کرده و الحق لمن غلب گفتن دارد و با این فهم از دین نمی توان مصالحه کرد.

لذا مذاکره و مصالحه با طالب بر علاوه خیزه بودن در سیاست فهم دینی نیز می خواهد. به همین علت هم است که مذاکرات طویل و عریض و در بخشی موارد خارج از موضوع و خارج از صلاحیت، بحث های اضافی، و بحث در مسصورت گرفته که در خفاء مطمئناً یکی بر دیگر و سادگی یک دیگر تفسیر خواهند کرد و این به جایی نمی رسد.

استابلشمنت پاکستان دو روی و کاذب بازی کرده، می کند و خواهد کرد.

این را باید چاره اساسی کرد.

می گویند بخش محافظت از بمب اتوم پاکستان، بخش رابطه پاکستان با هند و کشمیر و رابطه با افغانستان و استخبارات پاکستان مربوط به شعبه و اداره خاص ای. اس. ای. است و حکومت ملکی را در آن غرض و دخلی نیست و حکومت ملکی پاکستان درین موارد عملاً اجازه مداخله ندارد.

حکومت های ملکی می آیند و می روند و آن اداره ثابت است. لذا پالیسی در آن اداره ثابت و به تغییر در حاکمیت ملکی در آن تغییر نمی آید.

لذا ایشان یعنی این اداره علیه افغان ها و افغانستان ثابت دشمنانه عمل کرده و می کنند.

از جانب دیگر پاکستان دیگر سوالگر از امریکا نیست و سوالگر به جزیه گیر مبدل شده. کشور چین در پاکستان در یک قلم ۶۰ میلیارد دالر (کاشغر گوادر) سرمایه گذاری کرده! عدم درک این حقایق حل معضل را مشکل و حتی ناممکن ساخته. تا زمانیکه چاره اساسی موجود سرطانی به نام پاکستان نشود، معضل صلح و استقرار منطقه و تراژیدی مردم افغان، (پشتون، بلوچ، سندھی، سرایکی و کشمیری) ادامه خواهد داشت.

عجب این که مولانا فضل الرحمن آقای عمران خان را اخیراً علناً عمیل و نوکر اسرائیل و نوکر برنامه های اسرائیل اعلام و در تلویزیون خیبر معرفی کرد و گفت اما جهاد علیه دولت کابل_ افغانستان را اعلان کرده و علیه عمران خان اعلان جهاد نکرده است.

لعنت خدا به چنین عدالت و چنین فهم از دین باد.

تاجران دین ایشان نیستند، پس کیهان اند. ملت مسلمان افغان و جهان باید عمق این شرارت علمای اسلام دین فروش و سیاست ضد اسلامی و ضد انسانی استابلشمنت پاکستان را بدانند و خود قضاوت و راه حل درست کنند.

وما علینا الا البلاغ المبین



هر دو پروسه - مذاکره و انتخابات

Saidi_s_hardu_prosa_mozakera_wa_entekhabat.pdf